جوان و شخصیت(به مناسبت میلاد الگوی جوان، حضرت علی اکبر (علیه السلام))

پدید آورنده : فاطمه عسکری ، صفحه 8

«اسلام و صفات شخصیت»

در آیین مقدس اسلام، مسئله شخصیت اجتماعی افراد، و همچنین سازگاری با محیط و حسن معاشرت با مردم مورد توجه بسیار است. اولیای گرامی اسلام، ضمن احادیث بسیاری، صفات پسندیده شخصیت و ارزش سازگاری با محیط را به عبارات مختلفی توصیه کرده اند. از حضرت سجاد نقل شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«خیر و سعادت برای کسی است که اخلاقش پسندیده و خُویش پاک باشد، باطنش نیکو و ظاهرش خوب باشد، مازاد اموال خود را انفاق کند و از ادای سخنان زائد امساک نماید و با همه مردم به عدل و انصاف رفتار کند.»

در حدیثی دیگر می فرماید:

«بهترین شما، خوش خوترین شماست، آنان که نرم خو و بی آزارند، با دیگران انس می گیرند و دیگران نیز با آنان انس و الفت می گیرند.»

همچنین امام صادق (علیه السلام) از حضرت علی (علیه السلام) نقل می فرماید:

«مرد با ایمان شایسته دوستی و الفت است. کسی که خود با مردم دوستی نمی کند و مردم نیز او را لایق دوستی نمی دانند، در وجودش خیر و خوبی یافت نمی شود.»

جوانی و پی ریزی شخصیت

در مکتب آسمانی اسلام، پی ریزی شخصیت و برگزیدن صفت سازگاری با اجتماع در گرو غلبه بر تمایلات نفسانی و اجتناب از گناهان می باشد. این امر نه تنها دلیل بر عزم ثابت و قدرت نفس آدمی است بلکه مایه عزت و سرفرازی است و موجب والایی شخصیت انسان می شود. جوانی که می خواهد شخصیت شایسته ای داشته باشد و دارای سجایای اخلاقی و صفات انسانی باشد باید در قدم اول بر تمایلات نفسانی خود مسلط شود و خواهشهای غریزی خود را مهار کند تا از این راه موجبات آبرومندی و خوشبختی خود را فراهم سازد. برای آن که جوانان دچار خطا و اشتباه نشوند و در تشخیص صلاح و فساد زندگی تحت تأثیر خودپسندی یا عادات غلط اجتماعی و خانوادگی قرار نگیرند باید واقع بین باشند و طبق تعالیم الهی و راهنماییهای قرآن شریف عمل کنند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: (اَفَمَنْ کانَ علی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبّه کَمَنْ زُیِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ واتَّبَعُوا اَهْواءَهُمْ:

«آیا آن کس که از خدای خود حجت و برهانی در دست دارد مانند کسانی است که عمل زشتشان در نظر زیبا جلوه کرده و پیرو هوای نفسانی خود شدند.»

جوان و اثبات شخصیت

جوانانی که طبیعتا سالم و موزون آفریده شده اند، در سایه مراقبتهای والدین و مربیان شایسته به آسانی می توانند خود را با جامعه تطبیق دهند و به اثبات شخصیت و سازگاری با محیط موفق شوند. برعکس جوانانی که به طور طبیعی نقایص و معایبی دارند یا در محیط خانواده و اجتماع بد تربیت شده اند با مشکلات زیادی روبه رو می شوند و به سختی می توانند خود را با جامعه تطبیق دهند. در نتیجه عده ای از آنها منزوی می شوند، بعضی به دلیل طغیان و سرکشی مرتکب جرم و جنایت می شوند و برخی دیگر نیز کاملاً خود را می بازند و اقدام به خودکشی می کنند.

رانک در این زمینه علت اصلی حمله های عصبی را همین ترس از اثبات شخصیت بیان می کند. گروه طغیانگر زمانی که نمی توانند با محیط کنار آیند در سماجت و پافشاری خود اصرار می ورزند و در نهایت جزء اشخاص فاسد و بزهکار اجتماع می شوند. عده ای از آنها نمی توانند شغلی را قبول کنند و تحت حمایت خانواده باقی می مانند یا حتی تن به خودکشی می دهند. اکثر اوقات، این مسئله با دغدغه خاطر و مشغولیت ذهنی و رعشه و انقباضات عضلانی که مختص بیماران روحی است همراه است.

شخصیت جوان و ابراز لیاقت

جوانان، شیفته اظهار وجود و دلباخته ابراز لیاقت و شایستگی هستند و برای رسیدن به آن از هیچ کوششی دریغ نمی کنند. مثلاً جوانی که برای اولین بار در یکی از مؤسسات یا ادارات دولتی شغلی به دست می آورد و مسئولیتی را به عهده می گیرد، بسیار خوشحال و مسرور می شود. او احساس می کند که مقبول جامعه شده و شخصیتش در مرکز توجه قرار گرفته است. اولین پولی که از این طریق دریافت می کند هر چقدر هم ناچیز باشد برای او بسیار ارزشمند است و آن را سند و نشان لیاقت و شایستگی خود می داند. یا پسر جوانی که پس از مرگ پدر مسئولیت خانواده را به عهده می گیرد با تمام وجود برای تأمین مخارج زندگی تلاش می کند و به مشکلات تن می دهد. چون از این طریق می تواند لیاقت خود را به اثبات رساند.

برعکس، جوانی که نمی تواند با مردم به درستی ارتباط برقرار کند و ابراز وجود نماید دائما غمگین و افسرده و از محرومیت خود در رنج و عذاب است. بنابراین یکی از تمایلات درونی نسل جوان احراز شخصیت و حسن سازگاری با اجتماع است.

شخصیت جوان و تقلید از دیگران

حسّ تقلید یکی از تمایلات درونی است که در تمام افراد بشر وجود دارد و در نسل جوان شدیدتر است. انسان به وسیله تقلید از تجربیات علمی و عملی دیگران زودتر به نتیجه می رسد و مدارج ترقّی و تعالی را سریع تر طی می کند.

نوجوانان و جوانان برای ساختن شخصیت خود و برگزیدن صفات لازم از دیگران تقلید می کنند. آنها با توجه به حس تشخص طلبی و خودنمایی از افراد مشهور و ممتاز پیروی و نسبت به قهرمانان واقعی یا افسانه ای ابراز علاقه می کنند. دوست دارند که تاریخ آنها را به دقت بخوانند و از جزر و مد زندگی آنها اطلاع یابند و آنان را الگوی خود قرار دهند.

گاهی از قهرمانان ورزشی و رفتار و گفتار آنها تقلید می کنند. برای رسیدن به مقام قهرمانی بیش از استعداد و توانایی خود ورزشهای سنگین انجام می دهند یا مرتکب کارهای خطرناک و خلاف مصلحت می شوند. گاهی نیز از ستاره های سینما پیروی می کنند. کارهای ساختگی و غیر واقعی آنها مثل راه رفتن، نگاه کردن، حرف زدن، خندیدن، لباس پوشیدن، آرایش کردن و... را برنامه زندگی خود قرار می دهند و شخصیت خود را بر این اساس پی ریزی می کنند و از این راه ضربه بزرگی به شخصیت معنوی خود می زنند.

شخصیت جوان و توقع تکریم

یکی از امیال و خواهشهای درونی جوانان این است که مانند بزرگسالان به شخصیت شان احترام گذاشته شود و مورد ستایش قرار گیرند. آنها از پدر و مادر و سایرین انتظار دارند که به آنها به چشم یک فرد کامل نگاه کنند و با آنان برخورد کودکانه نداشته باشند. او می خواهد در تمام رفتار و گفتار مانند بزرگسالان باشد. از محیط خانواده فراتر رود و وارد عرصه پهناور اجتماع شود و خود را برای عضویت در جامعه آماده کند. اگر این تمایل طبیعی به طرز صحیح و بدون هیچ گونه افراط و تفریط ارضا شود جوانان می توانند به آسانی خود را با جامعه تطبیق دهند و به سازگاری با اجتماع مجهّز شوند.والدین در این زمینه باید به صورت صحیح به آنان آزادی و استقلال دهند و آنان را در تنگنا قرار ندهند و موجبات خشم و ناراحتی آنها را فراهم نکنند. جوانان هم متقابلاً باید در ارضای تمایل آزادی و استقلال طلبی حد و حدود خود را بشناسند تا همواره رابطه آنها با والدین بر اساس دوستی و احترام استوار شود.

شخصیت جوان و شرافت دوستی

دوران حساس جوانی دوران شرافت دوستی و عزّت خواهی است. جوانان به طور طبیعی عاشق سربلندی و مناعت طبع هستند و از چیزی که باعث کم ترین تحقیر و اهانتی به آنها شود گریزان و متنفرند. جوانان اگر بتوانند این تمایل فطری را در خود زنده و حاکم کنند و رفتار و گفتار خود را با آن هماهنگ سازند به سعادت واقعی خواهند رسید. چنانچه بر خلاف این عمل کنند زمینه بدبختی خود را فراهم می کنند و در راه سقوط و تباهی قدم بر می دارند. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«ارزش شخصیت هر فردی وابسته به روشی است که اتخاذ می کند. اگر نفس خود را از پستی و دنائت نگه داشت، به مقام رفیع انسانی نایل می شود و اگر عزت و حیثیت معنوی خود را ترک گفت، به دنائت و ذلّت می گراید».

جوانی که دارای عزّت نفس و شرافت انسانی است، نه تنها به ذلّت گناه تن نمی دهد و شخصیت خود و دیگران را خوار نمی کند بلکه در مقابل خدمت کردن به دیگران از آنها پاداش نمی خواهد و با توقع و تمجید خود را خوار نمی کند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«بدان هر عمل کریمانه و کار پسندیده ای که درباره یکی از بندگان خدا انجام داده ای، در واقع به شخص خود احترام نموده ای و شرف خویشتن را زیبا ساخته ای، پس هرگز تشکر خدمتی را که درباره خود کرده ای، از دیگران مخواه.»

شخصیت جوان و علاقه مندی به اسلام

تمایل فطری به ایمان و اخلاق، که به تقدیر حکیمانه الهی در نهاد بشر نهاده شده و در دوران جوانی به صورت جهش احساسات مذهبی آشکار می گردد، یکی از بهترین و نیرومندترین پایگاههای تربیتی نسل جوان است. مربیان دانا باید از این تمایل فطری و کششهای روحانی به نحو احسن و شایسته استفاده کنند و آن را همواره در ضمیر جوانان زنده و بیدار نگه دارند. این امر مستلزم پیروی از برنامه خلقت و اطاعت از قوانین آفرینش است. تربیتی که با ندای فطرت هماهنگ باشد، مایه خوشبختی و سعادت ابدی است و پیوسته ثابت و پایدار خواهند ماند.

بر همین اساس، اسلام به تمنیّات طبیعی جوانان توجه دارد و هر یک را در جای خود و به طرز صحیح ارضا می کند. اسلام با پرورش ایمان و اخلاق در دوران بلوغ، جوانان را به فراگرفتن قرآن و اطاعت از اوامر الهی موظف می کند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«کسی که تلاوت قرآن می کند، اگر جوان با ایمان باشد، قرآن با گوشت و خونش آمیخته می شود و در همه اعضای بدنش اثر می گذارد».

در جایی دیگر نیز می فرماید:

«پسر بچه هفت سال بازی می کند و هفت سال نوشتن می آموزد و تحصیل می کند و هفت سال حلال و حرام مذهبی را یاد می گیرد».

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز می فرماید:

«خداوند هفت گروه را سایه رحمت خود جای می دهد، روزی که سایه ای جز سایه او نیست. اوّل زمامداران دادگر و دوّم جوانی که در عبادت خداوند پرورش یافته باشد.»

جوانا! ره طاعت امروز گیر

که فردا نیاید جوانی ز پیر

قضا روزگاری ز من در ربود

که هر روزش از پی، شب قدر بود

من این روز را قدر نشناختم

بدانستم اکنون که در باختم.

«سعدی»

تأثیر دوست بر شخصیت جوان

رفیق خوب و شایسته در همه دوران زندگی بسیار ارزنده و مهم است، اما برای نسل جوان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. آنها تحت تأثیر دوست خوب و با فضیلت شخصیت خود را تقویت می کنند و استعدادهای خود را به فعلیت در می آورند و خود را برای فعالیتهای اجتماعی آماده سازند. با توجه به این مسئله نداشتن رفیق شایسته و دوست صمیمی مایه محرومیتهایی در دنیا و تأثراتی در آخرت می شود.

ولی مصیبت بسیار بزرگ همنشینی و رفاقت با افراد فاسد و ناباب است که جوان را به گمراهی می کشاند و او آرزو می کند که ای کاش با چنین عنصر فاسدی طرح رفاقت نریخته بودم. قرآن در این زمینه می فرماید: (یا وَیْلَتی لَیْتَنی لَمْ اَتَّخِذْ فلانا خلیلاً): «وای بر من! ای کاش فلان مرد پلید و گناهکار را دوست نمی گرفتم و به مصاحبتش تن نمی دادم».

اولیای گرامی اسلام هم خطر رفاقتهای مضرّ را یادآور شده و پیروان خود را از همنشینی با افراد فاسد و تبهکار بر حذر داشته اند. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است، بر حذر باش؛ چه آدمی به خوی و منش رفیقش خو می گیرد و به افکار و اعمال وی معتاد می شود.»

همچنین می فرماید:

«آنان که با بدان همنشینی می کنند از گزندهای بلا و گرفتاری در امان نیستند.»

پی نوشتها:

1. اصول کافی، ج 2، ص 144.

2. میزان الحکمه، ج 4، ص 1525.

3. اصول کافی، ج 2، ص 102.

4. سوره محمد (47) آیه 2.

5. جوان از نظر عقل و احساسات، محمد تقی فلسفی، ج 2، ص 3.

6. غرر الحکم، ج 1، ص 80.

7. جعفریات، ص 236.

8. وسائل، ج 2، ص 140.

9. اصول کافی، ج 6، ص 47.

10. تفسیر مجمع البیان، ج 2، ص 385.

11. جوان از نظر عقل و احساسات، ج 2، ص 343.

12. سوره فرقان (25) آیه 28.

13. نهج البلاغه، نامه 69.

14. میزان الحکمه، ج 2، ص 755.